

کنفرانس مجمع دانشمندان و متخصصان افغانستان

منعقدہ در

مرکز تحقیقات علوم اجتماعی - پاریس

مورخ

سوم می 2014 مسیحی

دین و خشونت در افغانستان

دکتور محمد فرید یونس

استاد دانشگاه ایالتی کلیفورنیا-ایست بی

California State University-East Bay, USA

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله سيدنا محمد بن عبدالله و على آله و صحبه و من اتبع هدا و بعد

پيشگفتار

قبل از اینکه چند نکته در مورد دین و خشونت که اساساً دو کلمه نا هماهنگ است بگویم، مسئولیت ایمانی و اخلاقی خود میدانم تا از آن عده عزیزان گرامی که سفر من را برای این کنفرانس راه اندازی کرده‌اند سپاسگزاری کنم. اول لازم می‌بینم تا از دعوت اندرکاران مجمع دانشمندان مخصوصاً جناب داکتر عبدالرحمن حکمی و جناب داکتر عبدالله شیرزاد تشکر کنم که از من دعوت به عمل آوردند تا برای بار دوم درین گرد همائی علمی شرکت کنم. از لطف و کرامت شان در حق خود سپاسگزارم. از خواهر گرامی بانو نظیفه صدیق رئیس عامل و همسر گرامی شان جناب راتب صدیق معاون رئیس عامل و بلال صدیق رئیس شرکت ایست وست گورمه فود/بولانی در ایالت کلیفورنیا که همیشه کار های علمی من را پشتیبانی کرده‌اند قلباً ابراز سپاس می‌کنم. همچنان از برادر گرامی محمد همایون اعظمی و همسر گرامی شان منیره جان اعظمی قلباً سپاسگزارم که همه دست به دست هم داده و سفر من را به اروپا تمویل کردند.

خرسندم از اینکه در شهر برای بار اول سخنرانی میکنم که علایق دیرینه به کشور زادگاه ام افغانستان و همچنان خانواده من دارد. افتخار دارم در شهر سخنرانی میکنم که شعار مشهور آزادی، برابری و برادری با انقلاب کبیر فرانسه انعکاس یافت. اینکه تا چه اندازه امروز فرانسویان به این شعار پایند هستند بحث جداگانه است. اسلام هم، چهارده صد سال پیش مسلمانان را خواهر و برادر در ایمان داری به خدا خطاب کرد و انسان را موجود آزاد خواند. پیشوای اسلام حضرت محمد مصطفی سید المرسلین (ص) فرموده است «فضیلت نیست عربی را بر عجمی و نه عجمی را بر عربی و نه سرخپوستی را بر سیاهپوستی و نه سیاهپوستی را بر سرخپوستی جز از روی تقوی» (خطبه حجة الوداع) حضرت عمر (رض) فرموده است «از روی چه مردمان را بنده میسازید در حالیکه مادران شان آنها را آزاد زاده اند». حضرت علی (رض) فرموده است «تمام مردم آزاد آفریده شده‌اند، مگر کسانی که از روی اختیار بردگی را برای خود پذیرفته اند». بلی، اساساً مسلمانان به شعار آزادی، برابری و برادری 1200 سال از فرانسه پیشقدم هستند. اما امروز می‌بینیم که مسلمانان هم از مسیر اصلی اسلام خارج شده‌اند و جهان اسلام در آتش نفاق، جنگ و تبعیض می‌سوزد. همچنان، خانواده من با این شهر زیبا یعنی پاریس علایق عمیق دارد. پدر مرحوم من، محمد یونس مشهور به متخصص کیمیا از اولین شاگردان افغانستان در سال 1921 در پاریس بود. برادر بزرگوارم پروفیسور محمد شفیق یونس اولین شاگرد از افغانستان بود که درین شهر موفق به دریافت درجه پروفیسوری اگریگسیون شد. شوهر خواهر من (خداوند خواهرم رنا یونس را غریق رحمت کند)، جناب داکتر روان فرهادی در همین شهر شاگرد بود و زمانی در همین شهر به حیث سفیر کبیر افغانستان خدمت کرد. بعد از هجرت، جوانان خانواده زیاد تر در همین کشور آموزش و پرورش یافته

اند. من هم در جوانی از شاگردان لیسه استقلال کابل بودم و با فرهنگ این کشور کمی آشنائی دارم. قبل از انعقاد این کنفرانس، جناب داکتر شیرزاد به من وظیفه دادند تا در مورد دین و خشونت در افغانستان صحبت کنم. از جناب شان تشکر می‌کنم که یک مطلب فوق‌العاده عمده را به دوش من گذاشتند تا تحقیق کنم و امروز من ثمره تحقیقات خود را با شما شریک می‌شوم.

موضوع دین و خشونت در افغانستان از پدیده‌های صادراتی شرق میانه در افغانستان است. چنانچه دموکراسی لیبرال سرمایه داری غربی به شکل اتنوکرسی آن از پدیده‌های صادراتی در افغانستان می‌باشد. نظام دموکراسی در جامعه افغانستان خود نمو و خود جوش نیست که جوابگوی نیازمندی‌های افغانستان قرن بیست و یکم باشد. هر دو پدیده یعنی دموکراسی لیبرال غربی و دهشت افگنی یا هراس افگنی بعد از بین رفتن حکومت ظالمانه طالبان در افغانستان متأسفانه وارد افغانستان شده است. اساساً دموکراسی غربی باعث بدبختی‌های اقتصادی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی گردید و دهشت افگنی که بر علیه دموکراسی غربی اعلام کرد، باعث قتل صد ها شهروند بی‌گناه شده است. اگر به دقت توجه کنیم دموکراسی صادراتی سرمایه داری باعث به وجود آوردن دهشت افگنی در افغانستان شده است زیرا قبلاً همچو چیزی در فرهنگ سیاسی مردم ما وجود نداشت.

درین تحقیق کوشش به عمل آمده است تا به سه سؤال جواب داده شود. اول آیا دین با خشونت هم آهنگ است و یا دین ضد خشونت است؟ دوم منشاء خشونت در کجا است و از کجا سرچشمه گرفته است؟ سوم چرا حرکت طالبان با اینکه ادعای اسلامیت دارند از خشونت کار می‌گیرند و دلایل فکری و استراتژیک این عملیات را کی‌ها دامن می‌زنند و هدف شان در چه نهفته است؟

#### اول دین و خشونت

اسلام از کلمه «سَلَمَه» گرفته شده و صلح معنی میدهد یعنی اسلام دین صلح است نه جنگ، خشونت و انتقام. قرآن مجید مسلمانان را از تشبیه به جنگ و تجاوز منع میکند و می‌گوید «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره آیه 190) یعنی و در راه خدا با کسانی که با شما آغاز کار زار می‌کنند کار زار کنید، ولی ستمکار و آغاز گر نباشید، چرا که خداوند ستمکاران را دوست ندارد. خداوند اجازه نداده است تا مسلمانان جنگ را آغاز کنند. «معتدین» در لغت هم ستمکار معنی میدهد و هم متجاوز. خداوند مسلمانان را از ستم و تجاوز منع کرده است. در روابط سیاسی، اجتماعی و خانوادگی قرآن چنین حکم میکند «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (سوره آل عمران آیه 159) یعنی «به لطف الهی با آنان نرمخوی کردی؛ و اگر درشتخوی سخت دل بودی بیشک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از ایشان در گذر و برایشان آموزش بخواه و در [این] کار با آنان مشورت کن؛ و چون عزمت را جزم کردی بر خداوند توکل کن، که خدا اهل توکل را دوست دارد». در آیه فوق می‌بینیم که خداوند به پیامبر (ص) می‌گوید که با مردم حتی که مخالف باشند به نرمی پیشامد کند، در امور مشورت کند و بزرگواری نشان دهد یعنی مردم را مورد عفو قرار دهد و به خداوند توکل کند. عملیات انتحاری که نه قرآن مجید آن را تائید می‌کند و نه پیشوای اسلام؛ باعث قتل هزاران بی‌گناه در جهان گردید و مهم‌تر اینکه قرآن حکم میکند نه تنها که مسلمان، مسلمان را به قتل نه می‌رساند بلکه کشتن یک انسان مانند این است که همه بشریت کشته شوند. قرآن مجید درین دو مورد در آیه 92 سوره نساء و آیه 32 سوره مائده چنین می‌گوید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً» یعنی و هیچ مؤمنی نباید هیچ مؤمنی را بکشد، مگر از روی خطا. و

«أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»

یعنی هر کس کسی را جز به قصاص قتل، یا به جزای فساد در روی زمین، بکشد مانند این است که همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد مانند این است که همه مردم را زنده داشته باشد. می‌بینیم که قرآن کشتن مردم بی‌گناه را مجاز نه می‌داند و یکی از اساسات حقوق بشر در اسلام احترام به حق زندگی است. این مسئولیت زندگی به اساس آیه کریمه سی و دوم سوره مائده، در فصل اول ماده «الف» و «ب» اعلامیه حقوق

بشر در اسلام منعقدۀ پاریس مورخ 19 سپتامبر 1981 مطابق 28 سنبله 1360 هجری خورشیدی و مصادف به 21 ذی القعدة 1410 هجری مهتابی چنین آمده است: «این مصنونیت زندگی آدمی جز به اساس دستور شریعت و به اساس اجراء آن دستور سلب نمیشود. در ماده «ب» چنین می خوانیم: «شخصیت مادی و معنوی بشر مورد حمایت است، چه در زندگی و چه پس از مرگ. اینکه با جسد متوفی از رفق و رعایت کرامت کار گرفته شود. شامل حق وی میباشد» این است دستور اسلام و روش اسلام در مورد حقوق بشر و کرامت انسانی.

دین نازل شد تا انسان را از حالت سر در گمی، بی هدفی، بی فرهنگی، بی تربیه گی، و بی نظمی و حالت غیر مدنی نجات بخشد و از انسان یک موجود با ثبات و با کرامت سازد. از همین رو نه تنها که به وی کرامت بخشید و گفت «و لقد کرّمنا بنی آدم» (آیه 70 سوره اسراء) یعنی «و به راستی که فرزندان آدم را گرامی داشتیم» و جایگاه او را درین دنیا منحصیث خلیفه خود یعنی نماینده خود در زمین قرار داد؛ به او اطمینان داد که اگر عمل شایسته کند، عبادت خداوند را به جا آورد، دست بینوا را گیرد، پاداششان نزد پروردگار شان محفوظ است و نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند (سوره بقره آیه 277). «فرزندان آدم» شامل همه بشریت می شود چنانچه در فصل سوم ماده اول حقوق بشر در اسلام میخوانیم «آدمیان همه در مقابل شریعت برابرند.» و باز برای اینکه انسان مطمئن تر باشد، می گوید و عده خداوند حق است «ان الله لا یُخلفُ المیعاد» (آل عمران آیه نهم). برای انسان تذکار داد که از زمرۀ دو دلان «مُمترین» مباش و زندگی تو به عبث نیست و یک هدف در آن نهفته است و آن حیات جاودانه است. این جاست که قرآن انسان را یک موجود بی هدف تلقی نه می کند. به انسان از طریق پیشوای بزرگوارش سید المرسلین فرهنگ بخشید تا منحصیث یک موجود متعالی در جامعه بشری عرض اندام کند و گفت «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه» (آیه 21 سوره احزاب) یعنی «در پیامبر خدا سرمشق نیکویی است.» و خواست انسان یک موجود با تربیه باشد تا از طریق تربیه سالم جامعه بشری را به مدنیت برساند و گفت «الذین یُنْفِقون فی السراء و الضراء و الکظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یُحبُّ المحسنین» (آیه 134 سوره آل عمران). یعنی همان کسانی که در راحت و رنج انفاق میکنند و خشم خود را فرو می خورند و مردمان را مورد بخشش و عفو قرار میدهند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. تربیه سالم به استناد سخن پیشوای اسلام (ص)، «مؤمن آنست که مردم از دست و زبان او در امان باشد». اسلام خواست تا مردم با نظم و نسق زندگی کند و قرآن مجید گفت «و نفس و ما سَوَّها» (سوره شمس آیه هفتم) یعنی و سوگند به نفس انسان و آنکه آن را سامان داد. اسلام خواست تا انسان یک موجود مدنی باشد و از همین لحاظ بود که بعد از هجرت سید المرسلین نام یثرب را مدینه گذاشت. مدینه یعنی شهر. یعنی حالا که هجرت کرده اید شما شهری شده اید. شما به اصطلاح سوسیولوژی یا جامعه شناسی میتر و پولتن شده اید. یعنی از دهکده و قریه، قوم پرستی و خرافه پرستی، سحر و جادو، تبعیض و تعصب و تنگ نظری و جنگ و برادر کشی خارج شدید و مدنی هستید.

حالا شما در دین با هم برادر و خواهر هستید چنانچه قرآن می گوید: انما المؤمنون اخوة (آیه دهم سوره حجرات). جالب این است که «اخوه» از نگاه لغت شناسی هم به زن اطلاق می شود و هم به مرد. یعنی زنان و مردان مؤمن در دین با هم خواهر و برادرند. پیشوای اسلام (ص) مسلمانان را در ترحم و شفقت و عاطفه یک جسم واحد خواند و فرمود که اگر یک عضو ناراحت میباشد همه اعضا را ناراحت می کند. از روی همین حدیث مشهور بود که سعدی علیه الرحمه چنین گفت

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش، ز یک گوهرند  
 چو عضوی، بدرد آورد، روزگار دگر عضو ها را نماند قرار  
 تو که از محنت دیگران، بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

دین اسلام، دین عدل است. عدل تنها به مفهوم قضائی نیست. عدل از نگاه توحید آن است که همه نظام هستی به توازن خلق شده است. در سوره الرحمن آیه هفتم می خوانیم «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» یعنی و آسمان را بر فراشت و معیار و میزان (تعادل) مقرر داشت. همچنان در سوره الاعلی آیه دوم و سوم میخوانیم «الذی خَلَقَ فَسَوَّى» یعنی (همانکه آفرید و سامان بخشید) «وَالذی قَدَرَ فَهَدَى» یعنی همان کسی که اندازه آفرینی و رهنمائی کرد. چون انسان جزء خلقت است و خلقت جزء انسان است، به عبارت دیگر قانون خدا و قانون طبیعت از دید توحید یکه و یگانه است، پس انسان باید به تعادل باشد. اینجاست که اسلام در همه امور به انسان تعادل را

توصیه میکند زیرا اگر انسان از تعادل خارج شود خلاف طبیعت و سرشت خود و نظم خلقت رویه می‌کند و به سقوط مواجه میشود. غلو و افراط‌گرایی در دین حرام است و خداوند عیسویان را هشدار میدهد تا غلو نکنند و می‌گوید «یا هاهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم» (آیه 171 سوره نساء). یعنی ای اهل کتاب در دین تان غلو نکنید یعنی از حد و حق نگزید. پیشوای اسلام فرموده است «آسان بگیرید و سخت نگیرید و مردم را بشارت بدهید و متفر نسازید». همچنان فرموده است «غلو کنندگان هلاک شدند». استاد فضل غنی مجددی در تحقیق خود زیر عنوان غلو و افراط‌گرایی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی می‌نویسد «غلو در دین سبب فاسد شدن دین و دنیا می‌گردد... مشکل ساختن دین و تشدد در دین مخالف روح اسلام که سماحت و آسانی است میباشد... قرآن در سوره الحج آیه 78 می‌فرماید «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج». در دین برای شما حرج نیست یعنی دین برای برای آسان ساختن زندگانی شما آمده نه برای مشکل ساختن آن». کسانی که از تشدد در دین کار می‌گیرند از جمله غالی‌ها می‌باشند. غلو سبب می‌شود که انسان در امور ثانوی خود را مشغول ساخته از اصل دین دوری کند» (صفحات 15 و 16). یک مطلب مهم دیگر را باید به پاسخ در بخش اول هم یاد آور شویم که دین اسلام دین انتقام نیست و دین عفو و گذشت است. انتقام یک پدیده قبیلی است نه مدنی. استاد خواجه بشیر احمد انصاری در تحقیق سوسیوپولیتیک خود زیر عنوان مذهب طالبان که خوارج را با طالبان به مقایسه می‌گیرد، می‌نویسد «ابن کثیر که قاتلان عثمان بین عفان را خوارج می‌داند، می‌نویسد که یکتا از خوارج آن زمان به نام عمرو بن حمق زمانی که وارد خانه عثمان بن عفان شد، بر سینه خلیفه سوم نشست و سپس بر او نه ضربه وارد نمود و گفت: سه ضربه آن به خاطر خدا وارد آورده‌ام و شش ضربه دیگر را به خاطر انتقامی که برضد او در سینه داشتم. اخبار و اظهارات نمایندگان رهبران و سخنگویان طالبان بیانگر اهمیت انتقام‌جویی در استراتژی این گروه به شمار رفته و غریزه انتقام از انگیزه‌های مهم فعالیت‌های جنگی خوارج معاصر در افغانستان و کشورهای خاور میانه به حساب می‌آید. اخبار عملیات انتقامی آن‌ها که شب و روز به سمع ما رسانیده می‌شود مؤید سخن ما است. هرگاه به زندگی و هدایات پیامبر اسلام نگاهی بیفکنیم جایی برای انتقام نخواهیم یافت. در حالی که حمزه عم پیامبر قربانی انگیزه انتقام گردید و جگرش را مکینند ولی او نه حرف از انتقام زد و نه دست به انتقام یازید. اسلام که میان انگیزه‌های روانی دوستی و دشمنی خطی فاصل کشیده است مخالف آمیختن اهداف دین با انگیزه‌های شخصی می‌باشد. (صفحات 48 و 49). بانو کارلوته گال نویسنده کتاب دشمن اشتهایی: آمریکا در افغانستان 2001-2014 هم یکی از دلایل خشونت در افغانستان را انتقام‌جویی گروه القاعده میدانند. این بدین معنی است که القاعده، طالبان و آنانیکه به نام‌های مختلف دهشت و وحشت را به بار آورده‌اند هنوز هم در یثرب زندگی دارند و مدنی نشده‌اند

#### دوم منشأ هراس افگنی

اولین بار هراس افگنی توسط گروه صهیونیست‌ها به نام ارگون در فلسطین مورد اجرا قرار گرفت. صهیونیست‌ها با تهدید به مرگ مردم را از خانه‌های شان بیرون کردند. دهات را ویران کردند. هتل‌ها را بمب‌گذاری کردند و هنوز هم این ظلم در فلسطین دوام دارد و ایالات متحده آمریکا از حامیان بزرگ اسرائیل در منطقه است فلسطینی‌ها از طریق استعمار، استثمار و تجاوز هراس افگنی را به میراث گرفتند و این عمل را بر علیه اشغالگران صهیونیستی به کار بردند. با لآخره دامنه آن با فتوای دکتر محمد یوسف القرضاوی عالم برجسته جهان اسلام از اهل تسنن بر علیه اشغالگران اسرائیلی شکل مذهبی پیدا کرد. دکتر یوسف القرضاوی که یکی از پر نفوذترین علمای جهان اسلام در عصر حاضر به شمار می‌رود، بمب‌گذاری انتحاری را بر علیه اشغالگران اسرائیلی در مناطق اشغالی فلسطین تائید کرد. به قتل رساندن معمر القذافی را روا دانست و خود کشتی دختران را بر علیه اشغالگران، شهادت خواند و مذهب شیعه را بدعت شمرد. چون فتوی در اسلام میتواند شکل جهانی داشته باشد، نتیجه آن قتل، خودکشی انتحاری، و قتل مردم بی‌گناه و جنگ‌های سوریه که اساساً منشأ مذهبی دارد زیرا عربستان سعودی از نفوذ سیاسی ایران در منطقه خوف دارد و چون ایران به همه کمی و کمبودی که در نظام خود دارد یک دموکراسی نسبی اسلامی را برای بار اول در منطقه استوار داشته است، خوف شیخ نیشینان عرب را که همه نظام‌های خاندانی است و مردم در سیاست کشور‌های شان نقشی ندارند، دوچند ساخته است. ایران هم از نفوذ و هابی‌گری در خوف است مخصوصاً اینکه هشتاد در صد جهان اسلام را اهل تسنن

تشکیل میدهد. این همه راه را برای حملات انتحاری و وحشت و دهشت به نام دفاع از اسلام در کشور های که با روش های کاری غربی مخالف هستند و یا زیر اشغال قرار دارند منجمله افغانستان باز نمود زیرا برای گروه طالبان که همه از اهل تسنن هستند خواه مخواه فتوای همچون عالم بزرگ که 120 کتاب در مورد اسلام نوشته و شصت میلیون بیننده در تلویزیون الجزیره دارد ، سند محکم مذهبی بود . جالب این جاست که «الجزیره امریکه» که حالا در آمریکا پخش می شود برنامه پُر بیننده «شریعت و زندگی» را که جناب القرضاوی متصدی آن است در آمریکا پخش نه می کند و اما در شرق میانه پخش میشود. این برای این است که اول آمریکا آرزو ندارد تا همچو یک شخصیت پُر نفوذ در جامعه امریکائی اسلام را تبلیغ کند و دوم اینکه نظرات قرضاوی به ضد یهود است و چون مطبوعات در آمریکا توسط یهودان اداره می شود لذا الجزیره امریکه همان مطالب را پخش میکند که نه سیخ بسوزد و نه کباب. دکتور القرضاوی هرگز دقیق فکر نکرد که وحشت و هراس افگنی برای حصول مقاصد سیاسی نه تنها روش پیشوای اسلام نبوده است بلکه جهان را زیاد تر به آشوب میکشاند. فتوی در اسلام باید با نص قرآن مجید و حدیث مبارک پیشوای اسلام مطابقت داشته باشد. درین هیچ جای شک و تردید نیست که مردم مسلمان و غیر مسلمان فلسطین یعنی عیسویان فلسطین باید و شاید از حقوق حقه خود دفاع کنند زیرا از دید قرآن بر ایشان ظلم صورت گرفته است و از خانه های شان و سرزمین شان بیرون کشیده شده اند. دهات فلسطین همه به خاک یکسان شده است. ظلم که در فلسطین جریان دارد غیر قابل تصور است. اما در شرایط کنونی شرایط جهاد اصغر از گذشته تفاوت میکند و زمانیکه یک کشور مسلمان قادر به دفاع از خود از نگاه نظامی نباشد ، باید روش های تازه غیر نظامی را به کار برد تا همه جامعه ملل به طرفداری آن کشور به پا خیزند. چنانچه گاندی هند برای آزادی هند از روش خشونت پرهیزی کار گرفت و به تعقیب او مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهپوستان آمریکا برای حقوق حقه سیاهان از روش گاندی هند پیروی کرد. آشکارا که جهان اسلام قوت نظامی با غرب را که از حامیان بزرگ اسرائیل است، ندارد. مخصوصاً اینکه یک عده زیاد کشور های اسلامی در گروگان نظامی غرب هستند و در مورد واردات سلاح برای کشور های خود مقروض غرب می باشند. اینجاست که فقه مصالحه در دین اسلام چنین حکم میکند در صورت که امکانات ضیق باشد ، باید از طرق دیگر کار گرفت که در دنیای امروز جهاد با قلم ، جهاد توسط تظاهرات غیر مسلحانه ، جهاد توسط بستن سفارت های که از اشغالگران حمایه و پشتیبانی میکند ، جهاد توسط تحریم های اقتصادی و جهاد توسط مطبوعات ما را به هدف نیل خواهد رساند بدون اینکه هزاران کودک و مردم بی گناه کشته شوند. امروز کشور های اسلامی سلاح را از غرب خریداری میکنند. غرب همان سلاح را به کشور های اسلامی به فروش میرساند که کشور های اسلامی نتواند بر علیه اسرائیل از آن استفاده کند. اساساً کانگرس آمریکا فروش همچو سلاح را اجازه نمیدهد. نتیجه اینکه سلاح خریداری شده بر علیه خود مسلمانان برای حفظ و بقای شیخان عرب استفاده میشود. در تحقیقات بانو گال میخوانیم که در زمان جهاد افغانستان بر علیه شوروی وقت، پیشنهاد حملات انتحاری شده بود و اما سران مجاهدین در آن زمان آن را به منافع جهاد و افغانستان ندانسته بودند. در همین کتاب گزارش یافته که آقای حکمتیار زیر تأثیر ، نفوذ و همکاری آی اس آی پاکستان گروه انتحاری را تیظیم کرده و در سال 2006 به افغانستان فرستاده است. نتیجه اینکه روش که در افغانستان به کار می رود مغایر دستورات اسلام و سیاست اسلامی است زیرا دین اسلام دین خشونت و دهشت و قتل و قتال مردم نیست. پیشوای اسلام سیدنا مرسلین رحمة للعالمین است و برای رحمت بر مردم فرستاده شده است

سوم اندیشه فکری طالبان و ایجاد خشونت و هراس افگنی در افغانستان

هراس افگنی و خشونت در افغانستان توسط طالبان دو جنبه دارد که ما آنرا جنبه داخلی و جنبه خارجی یاد می کنیم.

اول جنبه داخلی : تحصیلات طالبان در مورد اسلام بسیار ابتدائی است. عدم فهم وسعت تمدن اسلامی ، ندانستن تفسیر قرآن و فقه اسلامی ، تاریخ اسلام ، لغت شناسی عربی ، سنت شناسی و حدیث شناسی باعث به وجود آوردن تعصب ، تبعیض و تنگ نظری میشود. آموزش طالبان در محدودیت مکتب دیوبندی هند و وهابی گری

سعودی چرخ میخورد و این خواه مخواه طرز دید شانرا بسیار محدود میسازد. دوم طالبان مردم دهاتی هستند. دین یک اندیشه فکری متمدن است و نمیتوان آنرا در قریه و دهات آموخت زیرا در قریه و ده امکانات آموزش و پرورش وجود ندارد. این باعث می شود تا شخص روحیه فکری دهاتی خود را از دست ندهد و روی آن مانند نُقل کِمبار یک پوشش به نام اسلام زند

سوم طالبان مردم قومی و قبایلی هستند. برای مردم قومی مفردات قومی بالا تر از اسلام است. اندیشه قومی با اساس انتقام در مقابل دشمن مقابله میکند. قسمیکه در بالا دیدیم اسلام دین انتقام و برادر کشی نیست و در قوم گرائی برادر کشی، دشمنی، انتقام و زور است که به نام ناموس و غیرت بالای دین غلبه میکند. انگاشت های ناموس و غیرت پدیده های اجتماعی است که قبل از اسلام وجود داشت و اسلام آنرا از حالت قومی و قبایلی بیرون کشید و بعضی انگاشت ها را حتی از بین برد. اما چون اسلام به شکل مدنی آن نه تنها در افغانستان بلکه در همه کشور های اسلامی تدریس نشده است، همان است که این انگاشت های اجتماعی قبایل در جامعه پایدار باقی است و علما برای حفظ منافع خود هرگز کوشش نکرده اند تا جامعه را از حالت قومی به حالت مدنی تغییر دهند. طور مثال در نیویارک تایمز خواندیم که یک جوره جوان در افغانستان در فرار هستند برای اینکه دختر آرزو ندارد تا به ذوق مادر و پدرش ازدواج کند. آن ها بیم دارند که اگر دستگیر شوند پدر دختر، دخترش را خواهد کُشت. اسلام انتخاب همسر را حق شرعی زن و مرد میداند و بدون رضایت دختر نکاح روا نیست. در افغانستان زمانیکه شوهر می میرد، خانواده بدون اینکه از همسر متوفی پرسش به عمل آورند، او را به برادر متوقی عقد میکنند زیرا نه می خواهند تا ناموس خانواده از خانواده بیرون رود. اسلام می گوید که نکاح زن بیوه بدون اجازه اش روا نیست. نتیجه اینکه اندیشه فکری طالبان قومی و قبایلی است نه اینکه اسلامی باشد

طالبان از قوم پشتون هستند. از نگاه اتنولوژی افغانستان، قوم پشتون در بین اقوام از نگاه نفوس در اکثریت هستند و اما از نگاه نفوس شماری کشوری در اکثریت نیستند. 38 درصد افغانستان پشتون است و 62 درصد غیر پشتون. به عبارت دیگر اگر ما نفوس مردمان تاجیک، ازبک، هزاره، ترکمن، بلوچ، ایماق، نورستانی، پشه نی، عرب و پامیری را جمع کنیم، غیر پشتون ها در اکثریت هستند. چون افغانستان معاصر توسط فدراسیون اقوام پشتون به وجود آمده است، طالبان و هواخواهان شان چنین فکر میکنند که قدرت سیاسی باید در دست قوم پشتون باشد و دیگران در اقلیت هستند. با کمال تأسف عده زیاد از تحصیل کردگان پشتون مانند آقای اشرف غنی و دارو دسته اش به همین فکر هستند. اول اینکه افغانستان یک کشور اسلامی است و در جامعه اسلامی اقلیت و اکثریت وجود ندارد بلکه مسلمان و غیر مسلمان مطرح می باشد. دوم اینکه نظام دموکراسی چه نوع اسلامی آن باشد که هنوز در دنیا وجود ندارد و چه نوع غیر اسلامی آن باشد که فعلاً در افغانستان مطرح است مردم باید در اکثریت باشند. رأی اکثریت مردم در امور سیاسی مورد نظر باید باشد. این موضوع موقف سیاسی طالبان را بسیار ضعیف میسازد. یک دلیل عمده که آقای اشرف غنی در دور اول انتخابات سال جاری (2014) نتوانست برنده شود همین رأی اکثریت نفوس به شمول رأی پشتون ها به آقای عبدالله عبدالله بود. یعنی نظام دموکراسی نه می تواند در عین زمان اتنوکرسی باشد. در افغانستان رأی اکثریت نه می تواند به اساس اتنوکرسی باشد و اما کابینه نظر به خویش خوری ها و آشنا پروری ها و قوم پرستی ها میتواند شکل اتنوکرسی داشته باشد که این هم در اسلام مجاز نیست زیرا اسلام تنها تقوی و علمیت و تجربه در کار را معیار قرار میدهد و بس. قوم گرائی طالبان، و عدم دانش اسلامی باعث خشونت و هراس افگنی و غضب شان شده است. طالبان به نظام مردمی اعتقاد ندارند. اگر می داشتند در جریان انتخابات شرکت میکردند. طالبان به انتخابات اعتقاد ندارند. طالبان به بیعت که در مجلس سقیفه حضرت ابوبکر صدیق خلیفه مسلمانان شد اعتقاد ندارند. تنها آرزو دارند خود شان مطرح باشند. غضب شان بالای آمریکا همین است که آمریکا آن ها را از پای در آورد و باید از آنان انتقام گرفت و آنانیکه همکاری میکنند باید از بین برده شوند. اگر هدف موجودیت قشون خارجی در افغانستان است، بزرگترین قشون نظامی آمریکا در بحرین قرار دارد و یک قشون دفاعی امریکائی در قطر با دولت قطر همکاری نظامی دارد کشوری که طالبان دفتر خود را در آنجا باز کردند

جنبه خارجی

طالبان زیر نفوذ دو منبع خارجی قرار گرفتند. از نگاه فکری وهابی های سعودی و از نگاه ستراتیژیک آی اس

آی پاکستان. هر دو منبع موقف افغانستان را از نگاه امنیتی به مخاطره انداخته است. هر دو منبع را به طور مختصر بررسی می‌کنیم

#### اول نفوذ وهابی‌ها در افغانستان

در زمان علی شیر علی خان بود که وهابی‌ها میخواستند دید و بینش مذهبی خود را در افغانستان پخش کنند. در آنوقت تشبث شان بر علیه ترکیه عثمانی بود زیرا وهابی‌ها علمای عثمانی را بدعت آور اسلام میدانستند. اما علمای آنوقت افغانستان در مقابل وهابی‌ها قد اعلم کردند و با نوشتن رساله «شهاب ثاقب در رد وهابیان کاذب» وهابی‌ها را از افغانستان بیرون راندند. علمای افغانستان وهابیان را کافر، کور بختان، کاذب با باطن خبیث خواندند. بار دوم وهابی‌ها باز در افغانستان در زمان امیر عبدالرحمن خان آمدند و این بار هم علمای افغانستان وهابی‌ها را با دلایل مستند و قانع کننده از افغانستان بیرون کردند. این بار وهابی‌ها را لامذهبان خواندند و در سه باب انبیاء و اولیاء، نبوت و اجتهاد وهابی‌ها را رد کردند و موضوع را در کتاب «تقویم الدین» به رشته قلم آوردند. بار سوم وهابی‌ها در زمان جهاد افغانستان در مقابل شوروی وقت آمدند و این بار موفق شدند تا یک عده زیاد مردم را به شمول طالبان به سوی وهابی‌گری بکشانند اما نه به قوت استدلال دینی بلکه به قوت پطردالر. بلی، سعودی‌ها از بزرگترین حامیان طالبان است و زمانیکه طالبان به قدرت رسیدند سه کشور، افغانستان دوره طالبان را به رسمیت شناخت. عربستان سعودی، پاکستان و امارات متحده عربی. بعد از فاجعه یازدهم سپتامبر این سه کشور هم شناخت رسمی سیاسی خود را پس کشیدند و اما به کمک پولی و مهماتی خود به طالبان دوام دادند. چون جهاد در مقابل کفر فرض هر مسلمان است ازین رو راه عرب‌های وهابی و بن لادن در افغانستان باز شد. هدف وهابی‌ها در افغانستان برای بار سوم تکثیر وهابیت در کشور و دوم مقابله با ایران و سوم ناکام ساختن دموکراسی در افغانستان می باشد. وهابی‌ها چنین فکر میکنند که اگر دموکراسی در افغانستان موفق شود، زوال شان در منطقه حتمی است. زیرا جنبش‌های مردم افغانستان تأثیر بزرگ در منطقه دارد چنانچه جنبش سیاسی آزادی خواهی افغانستان در زمان اعلیحضرت امان الله خان باعث شد تا هندوستان به پا خیزد و برای آزادی خود قیام کند و جهاد افغانستان در مقابل شوروی نظام سوسیالیستی شوروی را از هم پاشاند. همان بود که بعد از سالهای 2005 و 2006 دوباره مهمات و تجهیزات را برای طالبان آماده ساختند تا در مقابل کابل به کمک آی اس آی پاکستان حملات انتحاری را آغاز کنند. هم‌طوریکه در دوران جهاد کمونیستان هر کسی که مخالف شان بود از جمله اشرار می‌دانستند؛ وهابیان هر کسی که مخالف شان باشد او را از جمله کفار می‌شمارند و کشتن او مجاز است. وهابیان برای تکثیر افکار خود در شبه جزیره عرب سه صد هزار انسان را به قتل رساندند. موسیقی نزد وهابیان حرام است. کار کردن زنان حرام است. دعا کردن بر مزار مادر و پدر حرام است. همه کارروائی‌های طالبان وهابی است. جالب این جاست که وهابیان با پیش کردن سنت رسول الله (ص) ناسیونالیزم عرب را دامن زدند. هر آن چیزی که عربی است سنت است. طور مثال جوانان که وهابی شده‌اند پیراهن‌های دراز عربی در بر می‌کنند و آنرا سنت می‌دانند. چون وهابی‌ها کشتن و قتل آنانی را که مخالف عقاید شان است روا می‌دانند لذا کشتار مردم بی‌گناه توسط طالبان یک امر قبول شده است. این دهشت و وحشت در افغانستان دوام خواهد مگر اینکه کمک‌های سعودی متوقف ساخته نشود. همچنان چون گرائی یکی از مشخصات وهابی‌گری است لذا طالبان که روحیه قوم‌گرائی دارند هدف بسیار خوب و بی درد سر برای وهابی‌ها به شمار می‌رود. مغز وهابی با روحیه قومی طالب را ساخته است

#### آی اس آی پاکستان

از روز اول جهاد در مقابل شوروی وقت تا امروز افغانستان برای پاکستان بهترین منبع پولی بوده است که همه جهانیان ازین مطلب آگاهی دارند و لازم به تکرار احسن نیست. اما مبلغ که پاکستان از سال 2001 الی 2013 دریافت کرده است 26 میلیارد دالر است. مردم افغانستان از دخالت‌های پاکستان خوب آگاهی دارند و اما من بسیار خوشبخت بودم که قبل از انعقاد این کنفرانس کتاب بانو گال به دستم رسید که دو هفته قبل ازین کنفرانس در

بازار بین‌المللی کتاب به دسترس علاقمندان قرار گرفت. این اولین کتاب است که بسیار صریح و مستند از دست‌درازی‌های پاکستان در افغانستان پرده بر میدارد. بانو گال گزارش میدهد که آی اس آی پاکستان در ناآرامی افغانستان دست اول را دارد. ثقل ذهنیت پاکستان که بطور عمیق مغز رهبران پاکستانی را احاطه کرده، آرزوی تسلط افغانستان است تا از حمله جناح عقبی خود که هند باشد حمایت کند. با این طرز اندیشه، طالبان متضمن منافع ملی و ستراتیژیک پاکستان است. (صفحه 190). آی اس آی پاکستان با گروه القاعده، حقانی، طالبان و حکمتیار همکاری بسیار نزدیک دارد. خواه مخواه پاکستان از همه جریان‌های انکار می‌کند. پاکستان برای اینکه افغانستان را منحصراً شاهره ستراتیژیک خود داشته باشد، چنین فکر داشتند تا افغانستان را ایالت پنجم خود قلمداد کنند. نظر به یک گزارش که یک نماینده آی اس آی به بانو گال داده است. همچنان پاکستان بر علاوه تهدیدهای خارجی در مورد ناسیونالیسم پشتون که عده‌شان آرزوی یک پشتونستان مستقل را دارند نگرانی داشت و برای همین منظور پشتون‌های اسلام‌گرا را حمایت و پشتیبانی کرد تا آرزوی ناسیونالیست‌های پشتون را دفع کرده باشد. به عبارت دیگر، پاکستان پشتون‌ها را بر علیه پشتون‌ها برانگیخت آی اس آی پاکستان برای این منظور شورشیان اسلام‌گرا را نه تنها تقویه کرد بلکه هشدار میدهد تا به اعمال هراس افگنی و دهشت افگنی در افغانستان دست زنند

#### پیشنهادات

در مسئله فکری پیشنهاد من این است تا یا قرارداد اعمار مرکز اسلامی که با عربستان سعودی عقد شده فسخ گردد و یا یک مرکز بزرگ جعفری هم آباد گردد تا توازن مذهبی در افغانستان برقرار گردد. در غیر آن بیست سال بعد افغانستان، یک کشور حنفی‌نی بلکه وهابی خواهد بود. همچنان یک مرکز بزرگ مدنی اسلامی با فقه حنفی آباد شود تا شاگردان و مردم راه انتخاب را داشته باشند نه اینکه برای سؤالات خود به یک مرکز رجوع کنند. برای توقف ساختن طالبان، افغانستان با عربستان سعودی که ایشان را تمویل می‌کند مذاکره کند. ایالات متحده آمریکا باید قانع ساخته شود که همکاری با پاکستان را در مورد افغانستان متوقف سازد و با رهبران افغانستان سر و کار داشته باشد که این مطلب را من در سخنرانی که در کانگرس آمریکا در سال 2010 دعوت شده بودم اظهار کرده‌ام. اولین اقدام حکومت جدید باید به شکل بسیار ثابت مذاکره امنیتی با پاکستان باشد که ایجاب می‌کند تا افغانستان یک وزیر خارجه قوی داشته باشد و هم سفرای آمریکا و ملل متحد باید فوق‌العاده با استعداد باشند. و من الله توفیق.



فهرست مراجع تحقیق  
اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسلام ، مترجم از متن عربی به فارسی دکتور عبدالغفور روان فرهادی. پیام توحید  
سال اول شماره اول اپریل 1995 عیسوی

اسلام و حقوق بشر. نگارش زین العابدین قربانی ؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ دوم تابستان 1366 [هجری  
خورشیدی]. تهران

اساسات جامعه شناسی اسلامی ، متن انگلیسی. نگارش دکتور محمد فرید یونس، سال چاپ 2008 مسیحی از  
نشرات آترهوز ، ایالات متحده امریکا

غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی. اثر استاد فضل غنی مجددی. از نشرات فقه  
اسلامی ، شماره مسلسل 66. سال چاپ: می 2009 مسیحی

مذهب طالبان. اثر استاد خواجه بشیر احمد انصاری. انتشارات سعید ، 1391  
خورشیدی ، کابل

دشمن اشتباهی: امریکا در افغانستان 2001-2014 اثر کارلوته گال. متن انگلیسی. از نشرات هفتن مفلن  
هارکورت ، نیویارک 2014

صهیونیزم: افسانه و واقعیت. متن انگلیسی. اثر دکتور اسماعیل زید. از نشرات  
امریکن ترست پبلیکیشن. اندیانا ، ایالات متحده امریکا، 1980

سرقت بزرگ ، متن انگلیسی اثر دکتور خالد ابو الفضل. از نشرات هارپر سان  
فرانسیسکو ، 2005

شهاب ثاقب در رد وهابیان کاذب . تصنیف امیر شیر علی خان . سال چاپ 1288 هجری قمری مطابق 1871  
مسیحی. متن فارسی کتابخانه دفتر هند 30 نوامبر 1908

تقویم الدین. به اهتمام عبدالرزاق بیک دهلوی. چاپ مطبع دارالسلطنه کابل. سال چاپ 1306 هجری قمری